

آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان

محمد داوری

متاسفانه به دلیل اولویت نداشتن پیشگیری در ابعاد مختلف هزینه‌های سنگینی بر مردم تحمیل می‌شود و آمار جرم و جنایت و گسترش آسیب‌های اجتماعی و بیماری‌های مختلف نشان از اولویت نداشتن پیشگیری در برنامه‌های حاکمیت و دولت و مردم دارد، اولویت نداشتنی که با صرف چندین برابر هزینه‌های پیشگیری در درمان هم موفق نبوده‌ایم که نمونه بارز آن بحث اعتیاد و طلاق است. در امر پیشگیری هم تردیدی وجود ندارد که بهترین راه برای پیشگیری آموزش و بهترین زمان هم دوران مدرسه است اگر بسیاری از آسیب‌ها ریشه‌یابی شوند مشخص خواهد شد که ریشه در ضعف آگاهی و مهارت دارند و در مقایسه با افراد به خوبی این واقعیت روشن می‌شود که افراد دارای آگاهی و مهارت در ابعاد و زمینه‌های مختلف کمتر دچار خطا و آسیب و بیماری می‌شوند. آموزش مهارت‌های زندگی یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های آموزشی است که برای پیشگیری از ضروری‌ترین سرفصل‌های آموزشی است تا حدی که نهادهای بین‌المللی از جمله یونسکو و یونیسف بر آن تاکید ویژه دارند و کشورهای آسیب‌پذیر را مورد حمایت قرار می‌دهند. یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی نیز در مقایسه کشورهای با یکدیگر میزان برخورداری مردم آن کشور از مهارت‌های زندگی است، مهارت‌هایی که روش‌های بهبود کیفی زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده و به دنبال آن است که کودکان و نوجوانان در طول دوران مدرسه این مهارت‌ها را بیاموزند و تمرین کنند تا به الگوهای پایدار ذهنی و رفتاری در آنها تبدیل شود و مانع از آسیب‌رسانی و آسیب دیدگی آنها شود چرا که این مهارت‌ها به افراد می‌آموزد که چگونه زندگی فردی و اجتماعی خود را مدیریت کنند. متاسفانه نظام ناکارآمد آموزشی ما در این زمینه نیز ناکارآمد است و مدرسه به عنوان کانون آموزش مهارت‌های زندگی نه تنها کودکان و نوجوانان را در این راستا آگاه و توانمند نمی‌کند بلکه بسیاری از مدارس تشدید کننده آسیب‌هایی در ابعاد مختلف هستند و نوجوانی که دوران مدرسه را به پایان می‌رساند سرشار از مشکلات و مسائلی است که در خانواده و اجتماع و

مدرسه برایش ایجاد شده است.

به عنوان مثال در دوره اصلاحات کتابی برای آشنایی با حقوق تهیه و تدوین شد و قرار بود در دبیرستان تدریس شود و پیش‌فرض تدوین این کتاب این بود که اگر دانش‌آموزان با مبانی و مصادیق حقوق و تکالیف خود به عنوان یک شهروند آشنا باشند از آمار پرونده‌های قضایی و کلاهبرداری‌ها و جرم‌های مختلف به شدت کاسته خواهد شد اما متأسفانه اجازه اضافه شدن این موضوع و کتاب به محتوای درسی داده نشد. در دوره دولت بعد از اصلاحات هم کلاً موضوع مهارت‌های زندگی از دستور خارج شد و دولت این سرفصل‌های مهارت‌های زندگی را مهارت‌های زندگی غربی اعلام کرد و فرآیند آموزش مهارت‌های دهگانه از جمله مهارت جرات‌ورزی، تصمیم‌گیری، حل مساله و تفکر نقاد و مواردی از این دست به کنار گذاشته شد مهارت‌هایی که هرکدام از آنها می‌تواند مانع ده‌ها آسیب اجتماعی شود همان اتفافی که در کشورهای توسعه یافته و برخوردار از نظام آموزشی زندگی محور نه کنکور محور به روشنی قابل مشاهده است. تاسف دیگر اینکه برخی از محتواها و برنامه‌های آموزشی که به منظور آموزش و تمرین مهارت‌های زندگی در مقاطع مختلف گنجانده شده است اولاً بسیار ایدئولوژیک است و دوم اینکه توسط مدارس جدی گرفته نمی‌شود و برای آموزش آنها معلمان و مربیان آموزش دیده و اختصاصی وجود ندارد و معمولاً چنین درس‌هایی به معاون و مدیر داده می‌شود که آن‌هم بیشتر کلاس‌ها تشکیل نمی‌شود و از طرف دانش‌آموزان و خانواده‌ها نیز جدی گرفته نمی‌شود چرا که محتوای این کتاب‌ها در کنکور دانشگاه نمی‌آید و کنکور زندگی هم که متأسفانه برای کسی مهم نیست.

م: : 17 1401